

## جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر مهدی اخوان ثالث

عیسی داراب‌پور،<sup>۱</sup> زینب افضلی<sup>۲</sup>

### چکیده

در این مقاله به مقوله جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر مهدی اخوان ثالث، پرداخته شده است. جریان سمبولیسم اجتماعی از مهم‌ترین جریان‌های ادبی در شعر معاصر ایران به‌شمار می‌رود که توسط نیمایوشیچ (با شعر "ققنوس" که اثری کاملاً نمادین و رمزی است) بنیان‌گذاری شد. پس از نیمایوشیچ چون شاملو، اخوان و فروغ فرخ‌زاد این جریان ادبی را ادامه داده و به اوج رسانیدند. جامعه‌گرایی و نمادگرایی دو ویژگی اساسی اشعار در این جریان است. شاعران این جریان با زبانی سمبلیک و تأویل‌بردار، مسائل سیاسی - اجتماعی زمانه خویش را در شعر منعکس می‌کنند.

از آن جایی که مهدی اخوان ثالث از سرآمدان این جریان ادبی به حساب می‌آید، نگارنده بر آن است پس از ارائه مقدماتی در زمینه مکتب سمبولیسم و اصول و ویژگی‌های آن به تحلیل و بررسی این جریان ادبی در شعر او پردازد. کلیدواژه‌ها: شعر معاصر، سمبولیسم اجتماعی، مهدی اخوان ثالث

## مقدمه

در دهه‌های سی و چهل شمسی در شعر معاصر ایران، گرایش‌ها و جریان‌های گوناگونی به وجود آمد که در هر یک، آثار و اشعار بسیاری چاپ و منتشر شد. برخی از این آثار از زمره خواندنی‌ترین و ماندگارترین نمونه‌های شعر و ادب فارسی به‌شمار می‌روند.

یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین این جریان‌ها، جریانی است که از آن با عنوان "سمبولیسم اجتماعی" (شعر رمزگرای جامعه‌گرا) یا "شعر نو حماسی و اجتماعی" تعبیر می‌شود. در این جریان با شاعرانی روبه‌رو هستیم که برخلاف شاعران جریان شعر رمانتیک عاشقانه و فردگرای دهه‌های بیست و سی، هم‌چون گلچین گیلانی، فریدون توللی، فریدون مشیری، فریدون کار و حسن هنرمندی، عمده توجهشان به مسائل سیاسی - اجتماعی و مشکلات و آرمان‌های مردم است؛ هم‌چنین شعر این جریان از پشتوانه نوعی درک و دریافت فکری و فلسفی برخوردار است و همین مسأله، شعر این شاعران را از اشعار "شاعران رمانتیک جامعه‌گرا و انقلابی" که با حفظ هویت و شخصیت غنایی و رمانتیک خود، گوشه‌چشمی نیز به مسائل اجتماعی و سیاسی دارند، متمایز می‌کند؛ همین‌طور اعتقاد این شاعران به تعهد و التزام در برابر جامعه و اصول انسانی و اخلاقی، شعر این جریان را از اشعار غیرمتعهدانه و فردگرایانه "موج نو" (پیروان احمد رضا احمدی) و شعر "حجم‌گرا" (طرفداران یدالله رویایی) که داعیه‌دار نظریه "هنر برای هنر" یا "شعر محض و ناب" بودند، جدا می‌کند. خلاصه این‌که جریان سمبولیسم اجتماعی نوعی شعر نیمایی است با محتوای اجتماعی و فلسفی و روشن‌بینانه؛ شعری که هدف آن بالا بردن ادراک و بینش هنری و اجتماعی است و غالباً پیامی اجتماعی و انسانی در آن بازگو می‌شود؛ شعری که هم با احساس خواننده سر و کار دارد و هم با ادراک و اندیشه او

جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر اخوان ثالث • عیسی داراب‌پور، زینب افضلی • صص ۹۳-۷۹ □ ۸۱

در تماس است و می‌خواهد که خواننده چشم و گوش خود را باز کند و همه چیز را ببیند و حس کند؛ از این‌رو در این جریان ادبی مسأله فرد از میان می‌رود و هر چه هست، اجتماعی است. در این نوع شعر حتی عشق که نوعی گرایش فردی است، جنبه اجتماعی پیدا می‌کند (رک. زرین‌کوب، ۱۳۵۸: ۱۲۳-۱۲۴).

نیمایوشیخ با شعر "ققنوس" که اثری نمادین است، اولین کسی است که این جریان ادبی را در ادبیات معاصر ایران بنیان‌گذاری کرد. پس از وی شاعرانی چون شاملو، اخوان و فروغ این جریان ادبی را ادامه دادند و به اوج رسانیدند (رک. شمیسا و حسین‌پور، ۱۳۸۰: ۲۰).

در این پژوهش، نگارندگان بر آن شدند تا درباره جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر اخوان غور و بررسی کنند؛ البته در مورد موضوع پژوهش، تاکنون کتاب یا مقاله مستقلی نوشته نشده است و هر چه موجود است به صورت مطالبی پراکنده در خلال احوال او در بعضی کتب و مقالات آمده است؛ بنابراین نگارنده در این مقاله بر آن است تا پس از ارائه مقدماتی در زمینه مکتب سمبولیسم و بررسی اصول و ویژگی‌های آن، به تحلیل این جریان ادبی در شعر مهدی اخوان ثالث بپردازد.

### الف) سمبولیسم چیست؟

سمبل را در فارسی رمز، مظهر و نماد می‌گویند. آنچه ما به عنوان نماد می‌شناسیم یک اصطلاح است. «نماد چیزهای گنگ و ناشناخته و پنهان ماست. یک کلمه زمانی نمادین می‌شود که چیزی بیش از مفهوم آشکار و بدون واسطه خود داشته باشد، این کلمه یا نمایه، جنبه ناخودآگاه گسترده‌تری دارد که هرگز نه می‌تواند به گونه‌ای دقیق مشخص شود و نه به طور کامل توضیح داده شود و هیچ‌کس هم امیدی به انجام این کار ندارد» (یونگ، ۱۳۷۷: ۱۶).

سمبولیسم (symbolism) در معنی اصطلاحی، نام یکی از مکاتب ادبی است که در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی پس از مکاتبی چون کلاسیسیسم، رمانتیسم، رئالیسم و ناتوریسم در اروپا شکل و مانند همه مکاتب ادبی اروپایی، کم و بیش، بر روند تحولات و تطورات ادبی سایر ملل نیز تأثیراتی را بر جای گذاشت. شعر و ادب معاصر فارسی نیز از حوزه نفوذ و تأثیر این مکاتب و از جمله مکتب سمبولیسم به دور نماند تا آنجا که از دیدگاه بسیاری از صاحب‌نظران، یکی از خاستگاه‌ها و سرچشمه‌های مهم جریان شعری سمبولیسم اجتماعی فارسی، مکتب سمبولیسم اروپایی قلمداد شده است.

چارلز چدویک در کتاب "سمبولیسم" از این مکتب چنین تعریفی ارائه می‌دهد: «سمبولیسم را می‌توان هنر بیان افکار و عواطف نه از راه شرح مستقیم و نه به وسیله تشبیه آشکار آن افکار و عواطف به تصویرهای عینی و ملموس؛ بلکه از طریق اشاره به چگونگی آن‌ها و استفاده از نمادهایی بی توضیح برای ایجاد آن عواطف و افکار در ذهن خواننده دانست» (چدویک، ۱۳۷۵: ۱۱-۱۵).

### ب) اصول و ویژگی‌های مکتب سمبولیسم

به طور خلاصه می‌توان عمده‌ترین ویژگی‌های سمبولیسم را به شرح ذیل برشمرد:

ب - ۱) بیان افکار و عواطف از طریق استفاده از نمادها و نشانه‌های شخصی.

ب - ۲) از آنجا که «شاعران نمادگرا اصراری به تصریح احساس‌ها و دریافت‌های خود ندارند و معتقدند که حالت‌ها و احساس‌های شاعرانه، مبهم و خاص و حاصل لحظه‌های جذبه و مکاشفه شاعر است» (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۲۸۵)، درک و دریافت اشعار این شاعران نیز در اکثر موارد مشکل و نیازمند رمزگشایی و تأویل است و چه بسا که افراد مختلف، قرائت‌ها و برداشت‌های مختلفی از یک شعر داشته باشند.

ب - ۳) از ویژگی‌های مهم این مکتب آن است که شاعران آن، در اشعار خویش از

جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر اخوان ثالث • عیسی داراب‌پور، زینب افضلی • صص ۷۹-۹۳ □ ۸۳

بسیاری از قواعد و قوانین ادبی و عروضی کلاسیک و سنتی عدول کردند و با کوتاه و بلند کردن مصراع‌ها، "شعر آزاد" و با کنار نهادن وزن و قافیه، "شعر سپید" را ابداع کردند (رک. شمیسا و حسین‌پور، ۱۳۸۰: ۲۹).

ب - ۴) توجه به آهنگ و موسیقی کلمات «شعرای سمبولیست معتقد بودند که شعر باید از راه آهنگ کلمات، حالات روحی و احساساتی را که امکان بیان مستقیم آن‌ها نیست، به خواننده یا شنونده القا کند. بدین ترتیب، برای شعر مقامی مشابه و هم‌شان با موسیقی قائل بودند» (داد، ۱۳۷۱: ۱۷۳).

ب - ۵) سمبولیست‌ها معتقد بودند که «تا حدّ امکان باید از واقعیت عینی دور و به واقعیت ذهنی نزدیک شد» (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۵۴۳).

ب - ۶) عدم توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی و عدم اعتقاد به تعهد و رسالت اجتماعی شعر و گرایش به شعر ناب و محض.

ب - ۷) عدم اعتقاد به جنبه‌های تعلیمی و آموزندگی ادبیات و شعر.

ب - ۸) ترجیح تصور و تخیل بر تفکر و تعقل (رک. شمیسا و حسین‌پور، ۱۳۸۰: ۳۰).

### پ) سمبولیسم اجتماعی فارسی و مکتب سمبولیسم

اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین ویژگی‌های جریان شعری سمبولیسم اجتماعی فارسی با ویژگی‌های مکتب سمبولیسم به عمل آوریم، به وجود شباهت‌ها و تفاوت‌هایی، پی می‌بریم.

#### پ - ۱) شباهت‌ها

پ - ۱ - ۱) در جریان شعر سمبولیسم اجتماعی فارسی نیز همانند مکتب سمبولیسم، برای بیان افکار و عواطف از زبان و بیان سمبلیک و نمادین استفاده شده است.

پ - ۱ - ۲) زبان شعر در جریان سمبولیسم اجتماعی فارسی نیز همانند زبان شعر در مکتب سمبولیسم، مبهم، پیچیده و تأویل‌بردار است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان معنی مشخص و مورد اتفاقی از اشعار شاعران این جریان به دست داد.

پ - ۱ - ۳) در این جریان نیز همانند مکتب سمبولیسم، بسیاری از قواعد ادبی و عروضی سنتی دست‌خوش تغییر شد؛ به گونه‌ای که تلاش‌های نیما یوشیج را در کوتاه و بلند کردن مصراع‌ها و ایجاد آزادی‌هایی در حوزه قافیه و در نتیجه ابداع "شعر آزاد" می‌توان با تلاش‌های پل ورنل و استفان مالارمه در ایجاد "شعر آزاد" در زبان فرانسه مقایسه کرد؛ همان‌گونه که می‌توان کوشش‌های احمد شاملو را در عدول از وزن شعر و ایجاد "شعر سپید" با کوشش‌های آرتور رمبو در ابداع "شعر بی‌وزن و سپید" در شعر فرانسه مقایسه کرد.

پ - ۱ - ۴) از نظر توجه به آهنگ و موسیقی کلمات و استفاده از آن در جهت القای بهتر افکار و عواطف نیز، هم در مکتب سمبولیسم اجتماعی فارسی، شاهد شباهت‌های نزدیکی هستیم. در این زمینه، به‌ویژه تلاش‌های شاملو و فروغ فرخ‌زاد در جایگزین کردن موسیقی کلمات به جای موسیقی حاصل از وزن درخور توجه است (رک. شمیسا و حسین پور، ۱۳۸۰: ۳۱).

## پ - ۲) تفاوت‌ها

پ - ۲ - ۱) برخلاف شاعران سمبولیست فرانسه که تحت تأثیر فلسفه افلاطون، شاعر را شاهی می‌دانستند که می‌تواند از پس دنیای واقعی، صور آرمانی و هستی مطلق را به نظاره بنشیند (رک. داد، ۱۳۷۱: ۱۷۳)، عمده تکیه و تأکید شاعران سمبولیست فارسی بر عینیت و واقعیت موجود و این جهانی، نه صور آرمانی و ایده افلاطونی بود؛ توضیح آن‌که، از نظر فکری، سمبولیسم بیش‌تر تحت تأثیر فلسفه ایدئالیسم بود که از متافیزیک الهام

جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر اخوان ثالث • عیسی داراب‌پور، زینب افصلی • صص ۷۹-۹۳ □ ۸۵

می‌گرفت (رک. سیدحسینی، ۱۳۷۶. ج ۲: ۵۴۳-۵۵۱) در حالی که یکی از ویژگی‌های مهم جریان سمبولیسم اجتماعی فارسی‌گرایش به واقع‌گرایی و رئالیسم است (رک. شمیسا و حسین‌پور، ۱۳۸۰: ۳۲).

پ - ۲ - ۲) از مهم‌ترین تفاوت‌های مکتب سمبولیسم اروپایی با جریان شعر سمبولیسم اجتماعی فارسی این است که شعر سمبلیک فارسی، شعری است که در برابر مسائل و مفاهیم سیاسی - اجتماعی، آرمان‌ها، آرزوها و درد و دریغ‌های انسانی، خود را متعهد و مسئول می‌داند و جامعه‌گرایی از ویژگی‌های محوری و بنیادین آن است؛ در حالی که شاعران سمبولیست اروپایی به دلیل گرایش به شعر محض و ناب، غالباً اعتقاد و التزامی به مسائل سیاسی - اجتماعی ندارند و پرداختن به این مفاهیم را خارج از حدود و وظایف شاعر می‌دانند.

پ - ۲ - ۳) شاعران نمادگرای فارسی برای شاعر، رسالت خاصی قائل‌اند و معتقدند که شعر باید حاوی پیغام باشد؛ در حالی که شاعران سمبولیست اروپایی مانند شاعران پیرو مکتب زیبایی‌گرایی، هیچ‌گونه جنبه‌ی تعلیمی و آموزندگی برای شعر قائل نبودند.

پ - ۲ - ۴) مکتب سمبولیسم که ریشه در فلسفه ایدئالیسم دارد، برای درک حقیقت به تصور و تخیل بیش از تفکر ارزش می‌دهد، به همین دلیل رویا و تخیل که پوزیتیویسم و رئالیسم می‌خواست آن را از عالم ادبیات براند، دوباره با سمبولیسم وارد ادبیات شد، اما در مقابل، «در جریان شعر سمبلیک فارسی در کنار عنصر تخیل، به درک و دریافت‌های فکری و فلسفی اهمیت بسیاری داده می‌شود و اصولاً یکی از ویژگی‌های محتوایی اشعار در این جریان، متفکرانه بودن آن‌هاست» (شمیسا و حسین‌پور، ۱۳۸۰: ۳۲ - ۳۱؛ نیز رک. سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۵۴۳).

بدین ترتیب، از میان هشت ویژگی که برای مکتب سمبولیسم برشمردیم، جریان شعر سمبولیسم اجتماعی فارسی در چهار ویژگی با مکتب سمبولیسم هم‌سانی و هم‌سویی

شایان توجهی دارد و این همانندی و هماهنگی گاه تا بدان حد است که جز بیان تأثیرپذیری شاعران نمادگرای فارسی از شاعران مکتب سمبولیسم، هیچ توجیه و محمل پذیرفتنی دیگری برای آن نمی‌توان ارائه داد.

### ت) سمبولیسم اجتماعی در شعر اخوان ثالث

#### ت - ۱) جامعه‌گرایی از نظر اخوان ثالث

مسأله جامعه‌گرایی یکی از ارکان جریان سمبولیسم اجتماعی به‌شمار می‌رود. این مسأله در شعر فارسی سابقه‌ای حدوداً صد ساله دارد و به اولین تلاش‌هایی که شاعران "عصر بیداری" چون نسیم شمال، عشقی، عارف، فرخی یزدی، دهخدا، ادیب‌الممالک و دیگر شعرای عهد مشروطه در جهت پرداختن به مسائل اجتماعی و مفاهیمی از قبیل آزادی، انقلاب، قانون، وطن، مردم، تعلیم و تربیت داشته‌اند، باز می‌گردد؛ اما در نظر اخوان جامعه‌گرایی شاعران عهد مشروطه، حالتی عصبانی و انقلابی و ناگزیر، شعاری و شتاب‌زده و سطحی دارد و کم‌تر با اندیشه و روشن‌بینی همراه است و مهم‌تر از آن، این‌که زبان و شیوه بیان در اشعار این شاعران کم‌تر صیقل هنری و شعری و زیبایی‌شناختی به خود می‌گیرد و غالباً به زبان گفتاری و نشر نزدیک است (رک. اخوان‌ثالث، ۱۳۶۹ ب: ۴۲ - ۴۳). با توجه به گفته‌های اخوان، گرچه جامعه‌گرایی و توجه به دردها و آمال و آرمان‌های مردم از عهد مشروطه وارد شعر فارسی شده است، اما حلّ و هضم کردن این مسائل در شعر و یافتن زبان و شیوه بیان و شکل و قالب مناسبی برای طرح آن‌ها و خلاصه تبدیل کردن آن "شعارهای اجتماعی و سیاسی" به "شعر اجتماعی و سیاسی" کاری است که نیما و پیروان راستین او موفق به انجام آن شده‌اند. خود مهدی اخوان‌ثالث یکی از شاعران است که نسبت به اجتماع و مردم و آرمان‌های انسانی، خود را متعهد و مسئول می‌دانست و بر این باور بود که هنر و شعر باید در خدمت اجتماع و تعالی نوع بشر باشد. وی با



جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر اخوان ثالث • عیسی داراب‌پور، زینب افضلی • صص ۷۹-۹۳ □ ۸۷

سروده‌های خود، نوعی روح تعهد و التزام نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی را در کالبد شعر فارسی می‌دمید و به قول خودش: «... من شعرم بی قصد و غرض نیست و همیشه ابعاد شعر من، ابعاد اجتماعی است، سیاسی است» (اخوان‌ثالث، ۱۳۶۹ الف: ۴۶).

## ت - ۲) نمادگرایی در اشعار سیاسی - اجتماعی اخوان ثالث

نمادگرایی در خدمت جامعه‌گرایی، مختصّه اصلی و محوری اشعار جریان سمبولیسم اجتماعی است. گرایش نیما و پیروان او مانند مهدی اخوان ثالث و شاملو به زبان سمبلیک و نمادین بی‌تأثیر از آشنایی آنان با مکتب سمبولیسم اروپایی نیست؛ به ویژه آن‌که نیما به عنوان سردمدار این جریان، خود زبان فرانسه را خوب می‌دانست و در نتیجه با ادبیات فرانسه و مکاتب ادبی آن آشنایی نزدیک داشت. گذشته از آن، می‌دانیم که شعر برخی از شاعران سمبولیست اروپایی، در همان سال‌ها به زبان فارسی ترجمه شده بوده است؛ حمید زرین‌کوب در این مورد می‌نویسد: «این زبان و شکل تازه که نیما به خلق آن دست می‌یابد، ظاهراً با آگاهی او از زبان و فرهنگ و ادب فرانسوی و خاصه آشنایی او با شیوه‌های رماتیسم و سمبولیسم و به‌خصوص شعر رمبو، ورلن و استفان مالارمه بی‌ارتباط نیست و ظاهراً نیما با آشنایی و اطلاع از انقلابی که در شعر فرانسوی رخ داده است به شعر فارسی که سنت و تکرار، آن را فرسوده و بی‌حاصل کرده است، جان تازه‌ای می‌دهد» (زرین‌کوب، ۱۳۵۸: ۱۲۶).

زبان سمبلیکی که نیما در اشعاری چون "داروگ"، "برف"، "مرغ آمین" و "ناقوس" از آن بهره می‌گیرد و پس از او مورد توجه و تقلید شاعران دیگر قرار می‌گیرد، حاصل تعامل و تراحم چند مسأله است: از یک سو شاعران این جریان، نسبت به مسائل سیاسی - اجتماعی در خود احساس تعهد می‌کنند و توجه به مردم و دردها و آرمان‌ها و آرزوهای آنان را رسالت خود می‌دانند و از سوی دیگر به دلیل وجود جوّ خفقان، اختناق، ترس،

تهدید و سانسور نمی‌توانند به تعهد و رسالت اجتماعی و سیاسی خود، جامه عمل بپوشند ناچار باید به زبان و بیانی غیرمستقیم و تأویل‌بردار، یعنی زبان رمز و اشاره و سمبل، رو آورند تا در عین پرداختن به مسائل اجتماعی و سیاسی از تبعات و آفات آن در امان بمانند.

با خواندن مجموعه‌های اخوان درمی‌یابیم که زمینه اصلی شعرهای او را عواطف ناشی از تأثرات اجتماعی رقم می‌زند. شعر او سرگذشت مهر و کین، یأس و امید، عشق و نفرت، غم و شادی، درد و دریغ و حمله و گریز است، اما محور اصلی تمام این عواطف، اجتماع است. کم‌تر شعری از اخوان هست که اثری از دردهای مردم و فضای مسلط بر جامعه را در آن نبینیم.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که نتیجه اتحاد شوم استبداد داخلی بود با لو رفتن اسامی مبارزین، اخوان، نیما و دیگران به زندان افتادند. دیگران با امضای توبه‌نامه‌هایی آزاد شدند؛ ولی اخوان حاضر به این کار نشد و حتی به خواهش مادر خویش نیز عمل نمی‌کند:

«گویدم بنویس و راحت شو - به رمز

تو عجب دیوانه و خودکامه‌ای» (اخوان ثالث، ۱۳۶۱: ۶۲ - ۶۴)

و حتی در زندان، عاملان اسارت خویش را خار و خس می‌داند «شکوفه هنرم، ظلم بین که گردون کرد / اسیر پنجه یک مشت خار و خس ما را» (اخوان ثالث، ۱۳۶۳: ۱۴). در نهایت با سرودن شعری و با پادرمیانی برخی دوستان خود از زندان رهایی می‌یابد و البته این شعر نیز به رمز است: «سودند سر به خاک رضا کاره‌های قوم / من مرد هیچ‌کاره چه خاکی به سر کنم» (قرایی، ۱۳۷۰: ۵۴). این شعر خود دلالت بر اجبار شاعر و حتی اکراه وی، از اظهار ارادت نسبت به استبداد دارد.

اخوان همانند دیگر سرایندگان شعر نو حماسی به جای زبان صریح سیاسی از زبان

جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر اخوان ثالث • عیسی داراب‌پور، زینب افضلی • صص ۷۹-۹۳ □ ۸۹

سمبلیک و نمادین بهره گرفته است. اشعار زیر حاصل این تاکتیک است: زمستان (۱۳۳۴)، باغ من (۱۳۳۵)، قاصدک (۱۳۳۸)، چون سیبوی تشنه (۱۳۳۵)، میراث (۱۳۳۵)، خزانی (۱۳۳۵)، بازگشت زاغان (۱۳۳۵)، آخر شاهنامه (۱۳۳۶)، قصیدهٔ تسلی و سلام (۱۳۳۵).

برای نمونه، در شعر سمبلیک زمستان که تاریخ سرودن آن دی‌ماه ۱۳۳۴ است، عمق نگاه و وسعت دید شاعر را نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی شاهد هستیم. در این شعر، شاعر تمام زوایای پیدا و پنهان جامعه و محیط خویش را برای مخاطب ترسیم کرده است.

«سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت،

سرها در گریبان است

کسی سر برنیارد کرد پاسخ گفتن و دیدار یاران را

نگه جز پیش پا را دید نتواند

که ره تاریک و لغزان است

وگر دست محبت سوی کس بازی

به اکراه آورد دست از بغل بیرون

که سرما سخت سوزان است»

(اخوان ثالث، ۱۳۵۴: ۹۷)

آنچه که شاعر در این شعر توصیف می‌کند، زمستان طبیعت نیست؛ بلکه شاعر با زبان سمبلیک، زمستان استبداد را توصیف می‌کند که به دنبال نهضت ملی به وجود آمده و "سرماي سخت" تهدید و سرکوب دولت نظامی زاهدی است که جانشین دولت مردمی پیشین شده است. وی در ادامهٔ شعر "مردم سرمازده‌ای" را تصویر می‌کند که همه نسبت به یکدیگر بیگانه‌اند. افسرده و ناامید از فرا رسیدن روشنایی دیگر فریب صبح کاذب را نمی‌خورند، به باده‌فروش فراموشی پناه می‌برند و چراغ باده را تنها روشن‌گر شب‌های

غم‌زده و تاریک خود می‌دانند. بالاخره در بند آخر تصویر خویش را از جامعه به کمال می‌رساند:

«سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت

هوا دل‌گیر، درها بسته، سرها در گریبان، دست‌ها پنهان

نفس‌ها ابر، دل‌ها خسته و غمگین

درختان اسکلت‌های بلور آجین

زمین دل‌مرده، سقف آسمان کوتاه

غبار آلوده، مهر و ماه

زمستان است»

(همان: ۹۹)

آنچه از هوا، ظاهر خانه، حالت عابران، درختان، زمین، آسمان، ماه و خورشید با ایجاز تمام گفته شده، نمایشی است محسوس و گویا از فصل سرد؛ اما در عین حال در پس هر جزء از آن گوشه‌ای از اجتماع ترسیم شده که چون همه در کنار یکدیگر قرار گیرد، تابلویی تمام به دست می‌دهد از زمستانی که شاعر در جان خویش و در دل جامعه احساس می‌کند. زمستانی که امید در این تابلو زنده و پایدار نقش کرده است. زمستان امید است، تصویری شاعرانه از پدیده و تجربه‌های اجتماعی است (رک. یوسفی، ۱۳۶۹: ۲۰) و یا این‌که در شعر "باغ من" با زبان سمبلیک این چنین به تشریح مسائل سیاسی و اجتماعی زمان خود می‌پردازد:

«آسمانش را گرفته تنگ در آغوش

ابر با آن پوستین سرد و نمناکش

باغ بی برگی روز و شب تنهاست

با سکوت پاک غمناکش

ساز او باران، سرودش باد

جامه‌اش شولای عربانی‌ست  
ور جز اینش جامه‌ای باید  
بافته بس شعله زر تار پودش باد  
گو بروید یا نروید هر چه در هر جا که خواهد یا نمی خواهد  
باغبان و رهگذاری نیست  
باغ نومیدان  
چشم در راه بهاری نیست  
کز چشمش پرتو گرمی نمی تابد  
ور به رویش برگ لبخندی نمی روید  
باغ بی برگی که می گوید که زیبا نیست؟  
داستان از میوه‌های سر به گردون‌سای اینک خفته در تابوت پست خاک  
می گوید  
باغ بی برگی  
خنده‌اش خونی است اشک آمیز  
جاودان بر اسب یال‌افشان زردش می چمد در آن  
پادشاه فصل‌ها پاییز»

(اخوان ثالث، ۱۳۵۴: ۳۲)

شاعر در این شعر که در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی دوره خود سروده، باغ را رمز و نمادی از کل کشور گرفته و عنوان شعر را باغ من گذاشته تا سر نخ و کلیدی باشد برای خواننده هوش مندی که از پوسته شعر به مغز آن راه می یابد. از این زاویه فضای مملو از غم و ناامیدی، تنهایی و حسرتی که در باغ، سایه افکنده، بیان‌گر اوضاع کشور در دو سه سالی است که از کودتا می‌گذرد بر این اساس رمزگشایی شعر به قرار زیر است:

باغ: کشور / باغبان: حامی و راهنما / رهگذار: همراه، یار / بهار: آزادی / میوه‌ها:

- آزادی خواهان زندانی، مبارزان شهید / پاییز: حکومت مستبد، خفقان / اسب زرد: ارتش. اخوان در این شعر، پاییز را در چند نما یا چند لایه معنایی به تماشا می‌گذارد:
۱. پاییز با تمام زیبایی‌هایی که به وسیله تغییر رنگ و فضا در باغ می‌آفریند؛ ابر پاییزی، آسمان باغ را پوشانده است و در زمینش خلوتی پاک و معصومانه جریان دارد. تنهایی و سکوتش غم‌انگیز است.
  ۲. نمای دیگر پاییزی است که باغ را از آنچه داشته محروم می‌کند. برگ و بار و بهارش را می‌گیرد. رهگذارانش را می‌راند و میوه‌هایش را می‌ریزد....
  ۳. حکومت استبدادپیشه‌ای که شادی و آزادی را از مردم گرفته و اصحاب فکر و قلم را به حبس و هجرت و هلاکت کشانده است.

### نتیجه

بنابر آنچه که گفته شد می‌توان این چنین نتیجه‌گیری کرد: جریان سمبولیسم اجتماعی جریانانی است که نسبت به اجتماع و مردم و آرمان‌های انسانی و اخلاقی خود را متعهد و مسئول می‌داند و برای شاعر مسئولیت و رسالت اجتماعی و سیاسی قائل است. مهدی اخوان ثالث به عنوان یک شاعر که پیر و این جریان ادبی است با زبانی حماسی و تأثیرگذار و نافذ و قاطع برخلاف شاعران جریان رمانتیسم اجتماعی و انقلابی که در آن از زبانی نرم و روان و غنایی برای بیان مسائل سیاسی و اجتماعی استفاده می‌کنند، در این جریان از زبانی تند و شدید و حماسی برای بیان مقاصد خود بهره گرفته است. خصیصه اصلی شعر اخوان، بهره‌گیری وی از زبان سمبلیک و نمادین است؛ همین بیان نمادین موجب می‌شود تا اشعار جامعه‌گرایانه و متعهدانه وی از حالت شعار سیاسی و اجتماعی ساده و صریح خارج و به شعر اجتماعی و انسانی تبدیل شود. این نمادگرایی هم‌چنین موجب می‌شود تا شعر وی، عمق و وسعت بسیاری بپذیرد و از حالت "تک‌معنایی" به مرتبه "چندمعنایی" یا "فرامعنایی" فرا رود و تفسیرها و تأویل‌های مختلفی را برتابد.

## منابع

### الف) کتاب‌ها:

۱. اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۶۱). آخر شاهنامه. ج ۷. تهران: مروارید.
۲. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۳). ارغنون. ج ۶. تهران: مروارید.
۳. \_\_\_\_\_ (۱۳۵۴). زمستان. تهران: مروارید.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹). بدایع و بدعت‌ها و عطا و لقای نیما یوشیج. تهران: بزرگمهر.
۵. چدویک، چارلز. (۱۳۷۵). سمبولیسم. ترجمه مهدی سبحانی. تهران: مرکز.
۶. داد، سیما. (۱۳۷۱). فرهنگ اصطلاحات ادبی. تهران: مروارید.
۷. زرین‌کوب، حمید. (۱۳۵۸). چشم‌انداز شعر نو فارسی. تهران: توس.
۸. سیدحسینی، رضا. (۱۳۷۶). مکتب‌های ادبی. ج ۱۰. تهران: نگاه.
۹. قرایی، یدالله. (۱۳۷۰). چهل و چند سال با امید. تهران: بزرگمهر.
۱۰. میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۶). واژه‌نامه هنر شاعری. ج ۲. تهران: کتاب‌مناز.

### ب) مقالات:

۱۱. اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۶۹ الف). "در پرتو چراغ آن سخن‌سنج". گفتگوی محمد محمدعلی با اخوان ثالث. در کلک. شهریور ۱۳۶۹. شماره ۶. صص ۴۰-۵۰.
۱۲. شمیسا، سیروس. حسین‌پور، علی. (۱۳۸۰). "جریان سمبولیسم اجتماعی در شعر معاصر ایران". در مدرس علوم انسانی. پاییز ۱۳۸۰. شماره ۲۰. صص ۲۷-۴۲.
۱۳. یوسفی، غلامحسین. (۱۳۶۹). "زمستان امید". در کلک. شهریور ۱۳۶۹. شماره ۶. صص ۱۶-۲۱.